



ISSN:2588-7033



A Study of the Development and Evolution of Persian Prose Fathnāmes (Books of Conquest)

Ali Sabbaghi^{a*}

^a Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letters and Languages, Arak University, Arak, Iran

KEYWORDS

Fathnāme, the structure of Fathnāme, Monša'āt, epic aspect

Received: 04 February 2024;

Accepted: 19 June 2024

Article type: Research Paper

DOI:10.22034/hsow.2024.2022167.1533

ABSTRACT

Kings and generals used to issue a letter to announce the victory and conquest of the new territory with their own handwriting or the composition of their court secretary after the end of the war or the successful conclusion of the military campaigns in other lands. This letter is referred to as the Fathnāme (book of conquest). This study seeks to investigate the process of development, evolution, and independence of prose Fathnāmes in the Persian literature. The study's questions are when did Fathnāmes become popular as an independent type of court and sultanic writing and which Persian literary genre do Fathnāmes belong to? To answer the questions, the process of development and independence of Fathnāmes is first examined using a descriptive method. Then, the position of Fathnāmes as a literary genre is explained in terms of form, structure, and function using an analytical method. The results shows that Fathnāmes were initially implicit and secondary writing in the historical texts written in news language and gained independence and were gradually written in literary and artistic language since the 6th century (AH). The principles and manners of their writing were then developed in the books of Monša'āt and techniques of letter writing. In terms of literary genre, Fathnāmes are literary and short narratives of victory in war, which have an epic aspect and are written to legitimize war and preserve the power and rule of kings.

* Corresponding author.

E-mail address: a-sabaghi@araku.ac.ir

©Author





بررسی تکامل و تحول فتح‌نامه‌های منشور فارسی

علی صباغی الف*

الف دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه اراک، اراک، ایران،

a-sabaghi@araku.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
<p>فتح نامه، ساختار</p> <p>فتح نامه، منشآت،</p> <p>وجه حماسی</p>	<p>پادشاهان و سپهسالاران پس از پایان جنگ با فرجام موفقیت‌آمیز لشکرکشی به سرزمین‌های دیگر، برای اعلان خبر پیروزی و فتح قلمرو جدید، با املای خود یا انشای دبیر دیوان خویش، نامه‌ای صادر می‌کردند که بدان فتح‌نامه می‌گویند. مقاله حاضر بر آن است که ضمن بررسی روند شکل‌گیری، تکامل و استقلال فتح‌نامه‌های منشور به این پرسش پاسخ دهد که این نوع نوشتار به‌عنوان گونه مستقل نوشتار درباری و سلطانی از چه زمانی رواج یافته است و زیرمجموعه کدام‌یک از انواع ادبی فارسی قرار می‌گیرد؟ نویسنده برای پاسخ به پرسش پژوهش ابتدا فرایند شکل‌گیری و استقلال فتح‌نامه را به روش توصیفی گزارش داده سپس جایگاه فتح‌نامه را به‌عنوان یک نوع ادبی از نظر صورت، ساختار و کارکرد به شیوه تحلیلی تبیین خواهد کرد. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که فتح‌نامه در آغاز نوشتاری ضمنی و فرعی در متون تاریخی بوده که به زبان خبری نوشته می‌شد و از سده ششم هجری استقلال یافته به‌تدریج به زبان ادبی و هنری نگاشته شده سپس اصول و آداب نگارش آن تعیین و تدوین گردیده است. از نظر انواع ادبی فتح‌نامه روایتی ادبی و کوتاه از پیروزی در جنگ است که وجهی حماسی دارد و با هدف مشروعیت بخشیدن به جنگ و بقای قدرت و حکومت پادشاهان نوشته شده است.</p>
<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰</p> <p>مقاله علمی پژوهشی</p>	

مقدمه

جنگ پدیده‌ای اجتماعی است که گزارش آن در متون اسطوره‌ای، دینی، حماسی و تاریخی به اجمال یا تفصیل ذکر شده است. این پدیده شگفت در طول زمان به اندازه‌ای با زندگی آدمی همراه و پیوسته بوده و هست که عادی جلوه کرده و طبیعی به نظر می‌رسد. در تعریف جنگ گفته‌اند که مبارزه‌ای مسلحانه، جمعی و خونین میان گروه‌های سازمان‌یافته است و همیشه با شکلی از خشونت همراه است و در زمان و مکان معین و محدودی رخ می‌دهد و به نابودی انسان‌ها منجر می‌شود. (بوتول، ۱۳۷۴: ۳۳) در هر جنگی دو طرف صف‌آرایی می‌کند یک‌سو مهاجمی ستیزه‌جو و پیروز و سوی دیگر گروهی مورد تجاوز و مغلوب؛ نتیجه جنگ بلافاصله از میدان جنگ یا با فاصله زمانی و پس از پایان جنگ از پایتخت به سراسر قلمرو حکومت در قالب نامه خبری ارسال می‌شود. گروه فاتح با نوشتن و انتشار فتح‌نامه ضمن اعلان خبر پیروزی به نمایش قدرت خود می‌پردازند. نگارش فتح‌نامه برای ارضای ذوق طبقه حاکم و پیروز و پشتیبانی از ایشان در مقابل رقبا، وظیفه مورخان و دبیران حکومتی یا منشیان دیوانی بوده است.

فَنّ ترسل و انشاء در تاریخ ادبیات فارسی از جنبه‌های مختلف زبانی، ادبی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی حائز اهمیت است. تحقیق در موضوع مکاتیب و منشآت هم از دیدگاه انواع ادبی، هم از نظر تعلیم آداب و اصول نگارش و انشاء و نیز از جهت سندیت

تاریخی و سیاسی و... ضرورت دارد. تا پیش از قرن ششم درباره منشآت و فن ترسل اثر مستقلی در دست نیست و مطالبی پراکنده در آثاری مانند قابوس‌نامه و چهارمقاله در باب دبیری آمده است. نخستین کتاب مستقل درباره‌ی فن دبیری و آداب نامه‌نگاری در میانه سده ششم به نام دستور دبیری از محمد ابن عبد الخالق میهنی برجای مانده است (میمنی، ۱۳۹۳: ۳۱۷) و از سده ششم به بعد هم جمع و تدوین مکاتیب و منشآت دبیران و سخنوران توسط خودشان یا دیگران رواج و رونق گرفته است (وطواط، ۱۳۳۸: ۸۰)؛ و هم نگارش آثاری که راهنمای دبیران و منشیان باشد بیشتر شده است. در منابع تاریخ ادبیات فارسی و مطالعات ادبی غالباً ترسل و مکاتیب را به دو شاخه سلطانیات و اخوانیات تقسیم کرده‌اند (میهنی، ۱۳۷۵: ۱۲۴ - ۳۹ و شمیسا، ۱۳۹۶: ۳۸۷) و انواعی را ذیل هر یک از آن شاخه‌ها نام برده، توصیف می‌کنند (خطیبی، ۱۳۷۵: ۴۲۸ - ۳۶۵). فتح‌نامه یکی از گونه‌های منشآت رسمی و سلطانی است. فتح‌نامه که در لغت با پیروزی نامه، فیروزی نامه، موهبت نامه و بهجت نامه مترادف دانسته شده (دهخدا، ۱۳۷۷: «فتح‌نامه») در اصطلاح نامه‌ای را گویند که به وسیله آن خبر فتح یک قلمرو، پیروزی در جنگ یا پایان موفقیت‌آمیز لشکرکشی پادشاه یا سپهسالاری به دیگران اعلان می‌شود (Bosworth, 2012: 422). این گونه‌ی نوشتاری در تاریخ ادبیات فارسی از نوشتاری ضمنی در لابلای متون تاریخی و تعلیمی، به گونه‌ای ادبی و مستقل تبدیل شده است.

۱. پیشینه بحث

درباره تعریف لغوی و اصطلاحی فتح‌نامه و یادکرد نمونه‌ها و سبک نگارش آن‌ها در تاریخ ادبیات فارسی پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله، در کتاب «فن نثر در ادب پارسی» (۱۳۷۵) از حسین خطیبی ذیل اقسام مکاتیب در قرن ششم و هفتم هجری، ضمن برشمردن انواع نامه‌های سلطانی و اخوانی به توصیف سبک نگارش ترسلات در این دو سده پرداخته شده است. در کتاب «انواع نثر فارسی» (۱۳۸۰) از منصور رستگار فسایی، مطالب کتاب پیشین زیر عنوان نثر نامه‌ها و ترسلات، باز نشر شده است. در منابع جدیدتر نیز گفتار منابع قبلی با بیانی دیگر تکرار شده و چند فتح‌نامه منظوم و مثنوی از گذشته تا حال معرفی شده است (حجتی، ۱۳۸۱: ۱۰۲۲ - ۱۰۲۱ و طهماسبی، ۱۳۹۱: ۷۷۴ - ۷۷۱). علاوه بر کتاب‌ها در چند مقاله به فتح‌نامه و عمدتاً نوع منظوم آن پرداخته شده است؛ از جمله: مقاله‌ی «فتح‌نامه نویسی در ایران و اسلام» (۱۳۸۸) به قلم قربان‌زاده مروری اجمالی بر فتح‌نامه نویسی از روزگاران پیش از اسلام تا دوره صفویه است. نویسنده ضمن برشمردن فتح‌نامه‌های مشهور عربی، فارسی و ترکی به روند تغییر سبک نویسندگان فتح‌نامه از بیان کوتاه و موجز در روزگار گذشته به روش مطنب و مصنوع از سده ششم هجری به بعد اشاره کرده است؛ و در نهایت، به این نتیجه دست یافته است که هدف از نوشتن فتح‌نامه‌ها قدرت‌نمایی بوده و سبک نگارش آن‌ها به دبیران بستگی داشته و اصول فتح‌نامه نویسی به صورت نسبی در بیشتر آن‌ها رعایت می‌شده است.

در مقاله‌ی «اسلوب نوشتاری فارسی، توصیف و طبقه‌بندی گونه‌نامه» (۱۳۹۱) از درپر و دیگران؛ نویسندگان پس از تعریف نامه و گزارش پیشینه نامه‌نگاری در فرهنگ ایران، به ضرورت رده‌بندی نامه پرداخته‌اند و بر اساس بافت بیرونی (موقعیت و فضای نگارش نامه) و بافت موقعیتی متن (نویسنده، مخاطب و هدف و نقش نامه) انواع نامه را شناسانده‌اند. نویسندگان بر این باورند که در بررسی انواع نامه باید به تعامل نهادهای اجتماعی مانند نهاد قدرت، تصوف، علم و... نحوه ارتباط طرفین مکاتبه و ایدئولوژی پنهان در متن نامه‌ها توجه شود.

در مقاله‌ی «بررسی ساختار هنری فتح‌نامه‌های منظوم: با تکیه بر فتح‌نامه‌های دوره غزنوی» (۱۳۹۵) از رسول‌زاده، نویسنده ساختار فتح‌نامه‌های منظوم دوره غزنوی را بر اساس الگوی حسین خطیبی در کتاب فن نثر در ادب پارسی، در شش رکن رده‌بندی کرده است؛ و پس از توصیف هر رکن، ابیاتی از دیوان شاعرانی چون فرخی سیستانی، عنصری، عسجدی، مسعود سعد، امیرمعزی و

عبدالواسع جبلی شاهد آورده است.

در مقاله‌ی «شعر فتح: معرفی و تحلیل نوعی از شعر مدحی» (۱۳۹۶) از احمدی دارانی، نویسنده به ویژگی‌ها، قالب، محتوا و تأثیرپذیری شاعران در سرودن شعر فتح پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که شعر فتح به‌عنوان ابزار تبلیغی حاکمان، بیشتر در قالب قصیده، با هدف مدح ممدوح پیروز از سده سوم هجری تا روزگار معاصر رواج داشته است؛ و بیشترین نمونه‌های شعر فتح در دیوان رشید و طواط، حامدی اصفهانی، امیر معزی و حسن دهلوی دیده می‌شود.

در مقاله‌ی «معرفی و سبک‌شناسی فتح‌نامه صادقی بیگ افشار» (۱۴۰۱) نوشته مهری و همکاران، نویسندگان به معرفی مثنوی ۲۴۳۱ بیتی فتح‌نامه صادقی بیگ افشار پرداخته‌اند. این مثنوی گزارش منظوم رخداد‌های مهم سال‌های پس از درگذشت شاه طهماسب تا اوایل دوره شاه‌عباس صفوی است. نویسندگان به بررسی سبک‌شناسی منظومه در سه سطح زبانی، ادبی و فکری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که فتح‌نامه به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده شده و بیشتر در لایه‌های سطح زبانی برجستگی دارد.

بنا بر آنچه پیش‌تر گفته شد پژوهش‌هایی در ارتباط با فتح‌نامه انجام شده است و در آن تحقیق‌ها یا به‌صورت کلی فتح‌نامه تعریف شده یا گونه «شعر فتح» موضوع بحث بوده است یا مروری بر فتح‌نامه نویسی در گذر تاریخ و وجه همت نویسندگان بوده است و بحثی درباره فرایند شکل‌گیری، تحول و استقلال فتح‌نامه به‌عنوان نوع ادبی (ژانر) پیش کشیده نشده است. از این رو، در این جستار این موضوع مطرح خواهد شد و نگارنده کوشش خواهد کرد تا به سه پرسش پاسخ دهد: ۱- فتح‌نامه چگونه به‌عنوان نوشتار مستقل ادبی شکل گرفت، ۲- فتح‌نامه از چه زمانی به‌عنوان گونه مستقل نوشتار درباری و سلطانی رواج یافت و ۳- فتح‌نامه زیرمجموعه کدام‌یک از انواع ادبی فارسی قرار می‌گیرد.

۲. بحث

۲.۱. تکامل فتح‌نامه نویسی

فتح‌نامه در مفهوم نامه‌ای خبری متضمن گزارش پیروزی در جنگ و گشودن سرزمین تازه، ابتدا در لابلاهای متون تاریخی و گاه تعلیمی، ضمن گزارش فرجام جنگ‌ها سر برآورده است و مورخان یا دبیران گزارش جنگ، شرح میدان نبرد و چگونگی پیروزی بر دشمنان را در اثنای آثار تاریخی و تعلیمی به سلیقه شخصی و همسو با سبک نثر دوره خود نوشته‌اند. در این دوران در نمونه‌های در دسترس از فتح‌نامه‌ها، ساختار مشخص و تثبیت شده به‌عنوان الگوی نوشتاری این گونه از منشآت سلطانی تدوین نشده و رسمیت نیافته است.

قدیم‌ترین نامه‌های دیوانی به زبان فارسی از جمله نمونه‌های فتح‌نامه و شکست‌نامه در تاریخ بیهقی آمده است (واحد، ۱۳۷۸: ۱۳۸ - ۱۳۹). در این کتاب از جنگ سلطان مسعود غزنوی در آمل و به دنبال آن از «وصول نامه فتح امیر مسعود با انشای بوالحسن عراقی دبیر» سخن گفته شده است؛ نامه‌ای که امیر مسعود خود املا کرده و عراقی دبیر نوشته است و قرار است از آن نسخه‌ها بنویسند و به اطراف مملکت ارسال کنند (بیهقی، ۱۳۸۳: ۴۳۴-۴۳۲). در سلجوق‌نامه پس از پیروزی سلجوقیان بر مسعود غزنوی، فتح‌نامه‌ای خطاب به خلیفه عباسی القائم بامر الله (۴۲۲-۴۶۷ ق.) نوشتند و به دست ابواسحاق ققاعی فرستادند تا ضمن اعلان پیروزی خود در جنگ، رسمیت یافتن حکومت خاندان سلجوقی را با تأیید خلیفه و خطبه خواندن و سکه زدن آشکار کنند (ظهیری نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۷). در تاریخ جهانگشا گزارش حمله و محاصره شهر اخلاط توسط سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و سپاهیانش آمده است که پس از گشودن اخلاط، نورالدین منشی فتح‌نامه‌ای انشا کرده است (جوینی، ۱۳۸۲، ۲/ ۱۸۰ - ۱۷۷).

از آنچه به عنوان نمونه نقل شد می‌توان دریافت که در بیشتر آثار تاریخی زبان فارسی ارسال خبر فتح و نوشتن فتح‌نامه به عنوان بخشی از متن - نه به صورت مستقل - دیده می‌شود. این فتح‌نامه‌ها به اقتضای حال و موقعیت گاه بسیار کوتاه و مجمل و گاه با اطناب و مفصل نوشته می‌شد. کوتاه‌ترین نمونه فتح‌نامه منثور در ضمن حکایت دوم از مقاله اول کتاب چهارمقاله «در ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل و آنچه تعلق بدین دارد» آمده است. به روایت این اثر تعلیمی، زمانی که تاش سپهسالار از سوی نوح بن منصور سامانی به جنگ ماکان کاکوری رفت و ماکان کشته شد، تاش خطاب به اسکافی دبیر گفت: «کبوتر بیاید فرستاد بر مقدمه، تا از پی او مُسرع فرستاده شود، اما جمله وقایع را بیک نکته باز باید آورد چنانکه بر همگی احوال دلیل بود و کبوتر بتواند کشید و مقصود بحاصل آید. پس اسکافی دو انگشت کاغذ برگرفت و بنوشت: اَمَّا مَآكَانَ فَصَارَ كَأَسْمِهِ وَالسَّلَام» (نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۷۲: ۲۷) یکی دیگر از نمونه‌های فتح‌نامه‌ی کوتاه گزارش نتیجه جنگی است که طاهر ذوالیمینین در عقبه حلوان با علی عیسی داشته و او را شکست داده و فتح‌نامه‌ای موجز و مختصر نوشته است: «بنده کمتر طاهر، موفق خلافت را زمین بوس می‌کند در حالی که سر علی عیسی پیش او نهاده بُود و انگشترین او در انگشت کرده والسلام.» (راوندی، ۱۳۷۴: ۱/۸: ۴۷۰).

در اغلب متون تاریخی فتح‌نامه به‌عنوان جزئی کوچک از متون تاریخی، پس از وقوع جنگ به‌ضرورت نوشته می‌شد و دبیران با توجه با اهمیت موضوع، ابزار ارسال و مخاطبان نامه، آداب نگارش را رعایت کرده به نگارش متن فتح‌نامه مبادرت می‌کردند. بر اساس مستندات در دسترس، فتح‌نامه نویسی به مرور از سده ششم هجری به‌عنوان نوع (ژانر) ادبی هویت مستقل پیدا کرده است و به‌صورت یکی از انواع ترسّلات رسمی و سلطانی تثبیت شده است. در این سده فتح‌نامه جند (وطواط، ۱۳۳۸: ۷۳ - ۷۱) در ضمن نامه‌های رشیدالدین وطواط (ف ۵۷۳ ق.)، گزارش گشودن شهر بخارا (بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۳۱ - ۱۲۵) و فتح‌نامه بخارا (همان: ۱۳۸ - ۱۳۱) در کتاب التّوسل الی التّرسل بهاء‌الدین محمد بن مؤید بغدادی از جمله نمونه‌های فتح‌نامه‌های منثور است. از سده هفتم هجری به بعد افزون بر متون تاریخی مانند تاریخ جهانگشای جوینی که فتح‌نامه‌هایی مانند فتح‌نامه اخلاط (جوینی، ۱۳۸۲: ۱۸۰/۲ - ۱۷۷) و فتح‌نامه الموت (همو، ۱۳۸۲: ۳/۷۲۵ - ۷۴۷) در آن درج شده است؛ بخشی از آثاری که در موضوع انشاء و ترسّلات نوشته شده به کم و کیف فتح‌نامه نویسی اختصاص یافته است و به‌تدریج گونه‌های فتح‌نامه‌ها بر اساس قلمرو فتح‌شده - شهر، قلعه و دشمنان - فرستندگان و گیرندگان فتح‌نامه طبقه‌بندی شده است.

در کتاب دستور الکاتب فی تعیین المراتب به انواع مکاتیبی که پیش از رفتن به جنگ و فتح بین سلطان و دیگران در موضوعاتی مانند اعلام عزیمت به جنگ، استمداد نیرو و مال، همکاری یا عدم همکاری با سلطان در اعزام به جنگ و تهنیت فتح مبادله می‌شود، اشاره شده و نمونه‌هایی برای هر نوع ارائه شده است (نخجوانی، ۱۹۶۴: ۱/۳۸۸ - ۴۰۲) و نمونه‌ای از فتح‌نامه با عنوان «در فتح تونکقال که به جمیع ممالک فرستد» درج شده است (همان، ج ۲: ۲۵۵ - ۲۶۰).

در کتاب همایون نامه در فصل ششم از باب دوم با عنوان «در تهنیت فتح و آن مشتمل بر فتح‌نامه‌هاست» سه الگوی فتح‌نامه نویسی پیشنهاد می‌شود؛ الگوی نوشتن نامه فتح شهر، فتح قلعه و دفع اشرار و ظالمان خطاب به سادات و قضات و علما و عامه مردم (شهاب منشی، ۱۳۵۶: ۱۰۸ - ۱۰۱). نویسنده، متن نمونه‌وار و الگوی «فتح‌نامه قلعه سیرجان خطاب به ساکنان شهر هرات» را آورده (همان: ۱۰۵ - ۱۰۳) و در پایان چنین نتیجه می‌گیرد که هر سه فتح‌نامه از ساختار یکسان: (الف) مقدمه و تمهید، (ب) متن و پیام اصلی و (ج) نتیجه و خاتمه برخوردار است.

در کتاب مناظر الانشاء نویسنده در مقاله دوم تعریفی از فتح‌نامه به دست داده (خواجه جهان، ۱۳۸۱: ۱۸۶) و در منظر دوم اشاره می‌کند که فتح‌نامه را به صورت‌های مختلف نوشته‌اند و نویسنده با تتبع و بررسی نوشته‌های دبیران پیشین و معاصر خود به این

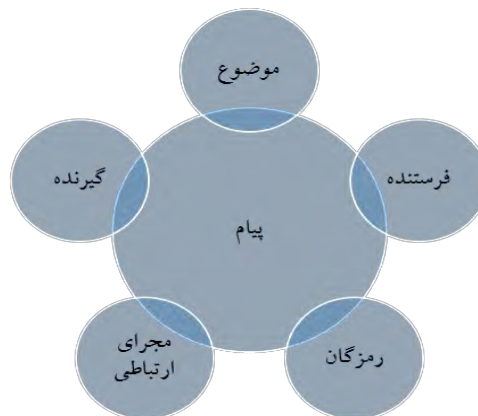
جمع‌بندی رسیده است که فتح‌نامه دارای پانزده رکن است (همان: ۱۹۳): ۱. تمجید و تحمید، ۲. صلوه و نعت نبی (ص)، ۳. وجوب تعظیم امور مردم بر ذمت سلاطین، ۴. سبب عزیمت، ۵. ذکر عزیمت سلطان، ۶. صفت کثرت و قدرت لشکر سلطان، ۷. صفت شکوه خصم، ۸. صفت جرأت و جسارت خصم، ۹. صفت قتال و جدال، ۱۰. ذکر نصرت سلطان و هزیمت دشمنان، ۱۱. حمد و شکر منعم، ۱۲. ذکر ضبط و ربط ولایت خصم، ۱۳. اخبار فتح و ظفر بر مقیمان بحر و بر، ۱۴. ذکر نام مخاطب فتح‌نامه و ۱۵. ذکر امید به فتح‌های بیشتر و وجوب دعا (همان: ۱۹۴ - ۱۹۳). نویسنده در ادامه نمونه‌ای از فتح‌نامه به قلم خود درباره «فتح بیجانکر» آورده است (همان: ۱۹۷ - ۱۹۳). همو در منظر سوم در نوشتن فتح‌نامه چهار شرط را مطرح کرده است؛ نخست اینکه در تحمیدیه و صلوات از شگرد براعت استهلال استفاده شود، دوم در متن فتح‌نامه معنای بکر در لفظی جامع و استوار درج گردد، سوم در صورت نیاز به جای تحمیدیه و صلوات، فتح‌نامه با نام خداوند و گریز به آیات آغاز شود و چهارم اگر دشمن اسیر یا کشته شده باشد در وصف قدرت و جسارت او اغراق باید کرد (همان: ۲۱۸ - ۲۱۷).

بر اساس آنچه پیش‌تر گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که فتح‌نامه ابتدا در متون تاریخی به‌عنوان جزئی از گزارش کنش و رفتار حاکمان در جنگ‌ها نمود یافته است و در آغاز متنی مستقل به شمار نمی‌آمده است؛ اما از سده هشتم هجری به بعد فتح‌نامه به‌عنوان نوشتاری سلطانی و رسمی استقلال پیدا کرده است و از سده هشتم هجری به بعد در آثاری که درباره فن ترسل و دبیری نوشته شده بحث در انواع فتح‌نامه، اصول و آداب نگارش آن و الگوهای پیشنهادی فتح‌نامه بیشتر و گسترده‌تر شده است.

۲.۲. قالب فتح‌نامه

در مطالعات رده‌شناسی و انواع ادبی فارسی غالباً طبقه‌بندی آثار ادبی را بر اساس قالب (فرم بیرونی) انجام می‌دهند و بحث محتوای آثار را جداگانه مطرح می‌کنند؛ و نگرش تلفیقی و کل‌نگر با در نظر گرفتن صورت، محتوا و کارکرد آثار ادبی کمتر در نظر گرفته می‌شود. در کتاب‌های انواع ادبی گاهی بحث ترسل به‌عنوان نامه منظوم یا منثور و با رویکرد سبک‌شناسی مطرح شده است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۷۰)؛ و گاهی تقسیم‌بندی دوگانه‌ی «صورت-محتوا» معیار بوده است؛ اما در عمل منشآت و مکاتیب تنها از نظر صورت به‌عنوان نوع ادبی «نامه» مطرح شده است و در طبقه‌بندی از دیدگاه محتوا و موضوع مطلبی نیامده است (رزمجو، ۱۳۸۲: ۲۰۵). درباره‌ی قالب فتح‌نامه بر اساس منابع و نمونه‌هایی که بررسی شده است، می‌توان گفت:

فتح‌نامه‌ی منثور در قالب یک نامه نوشته می‌شود. نامه با املای پادشاه یا سپهسالار و انشای دبیر یا منشی آماده می‌شود یا منشی و دبیر دیوان انشاء حسب دستور و با سبک و سیاق خود فتح‌نامه را می‌نویسد. فتح‌نامه سندی رسمی و حکومتی است و بر اساس طبقه‌بندی منابع از نوع سلطانیات است. ساختار فتح‌نامه به شکل نمودار زیر است:



- موضوع: درون‌مایه تکراری و ثابت خبر پیروزی در جنگ با دشمنان و مخالفان یا فتح قلعه و شهری است.
- فرستنده: گاهی فرماندهی است که از میدان جنگ خیر می‌فرستد و گاه سلطانی است که از مقرر حکومت یا میدان جنگ فتح‌نامه صادر می‌کند.
- گیرنده: زمانی سلطان مستقر در پایتخت خبر از پیروزی سپهسالار خویش می‌گیرد و گاه امیران محلی، صاحب‌منصبان و اصناف مردم ساکن در قلمرو حکومت خبر فتح را از پایتخت دریافت می‌کنند.
- پیام: متن فتح‌نامه است که یا محل روایت ساده پیروزی یا هنرنمایی و شاعرانه نویسی دبیران و منشیان درباری است. بیشتر بحث در فن ترسل و توصیه به دبیران به کیفیت تحریر و تألیف این قسمت معطوف است.
- مجرای ارتباطی: صفحه کاغذ است که با پیکمی معتمد و تیز تک فرستاده می‌شد.
- رمزگان: زبان فارسی است که در سبک نگارش از سادگی رو به تصنع و تکلف گذاشته است.

گفتنی است که از نظر حجم، فتح‌نامه به دو گونه‌ی مختصر و مفصل رده‌بندی می‌شود. به‌عنوان مثال فتح‌نامه کوتاهی که اسکافی در پیروزی تاش سپهسالار بر ماکان کاکوی در نیم سطر نوشت (نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۷۲: ۲۷) و فتح‌نامه مفصلی که در تاریخ جهانگشای جوینی با عنوان «نسخه فتح‌نامه الموت» (جوینی، ۱۳۸۲، ۳/ ۱۴۲ - ۱۱۴) آمده است. با عنایت به اینکه فتح‌نامه از نظر بافت برون‌متنی نوشتاری درباری و رسمی است در منابع انشاء و ترسل اصول و اسلوب نگارش آن‌ها به‌دقت تعیین و توصیف می‌شود.

۳.۲. محتوای فتح‌نامه

در آثار مربوط به فن ترسل و نگارش دیوانی، اصول و ارکان نوشتارهای دیوانی تعریف و تبیین شده و به نوعی این آثار در حکم کتاب دستور و راهنمای دبیران درآمده است؛ و در نهایت شکلی کلیشه‌ای و قالبی به خود گرفته است. در منابع تاریخ ادبیات فارسی، مطالعات نثر فارسی و سبک‌شناسی بر اساس نامه‌های به‌دست‌آمده، توصیفی از ساختار نامه‌ها به دست داده شده است. از آنجاکه بیشتر نامه‌های رسمی دیوانی بر پایه آداب ترسل و الگو گرفتن از منشیان و دبیران پیشین نوشته شده است، الگوی ساختاری تقریباً مشابهی در آن‌ها وجود دارد؛ این موضوع زمانی بیشتر نمایان می‌شود که بررسی گونه‌ای خاص از مکاتیب مانند فتح‌نامه‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. فتح‌نامه‌ها عموماً سه بخش دارند.

۱.۳.۲. آغاز فتح‌نامه

سرآغاز فتح‌نامه پس از حمد باری تعالی و نعت پیامبر اکرم (ص)، مقدمه‌ای است که در آن کوشش می‌شود جنگ با دیگران توجیه شود، این بخش تمهیدی در لزوم جنگ و بیشتر با صبغه دینی جهاد است. غرض از این مقدمه اقناع مخاطبان در برحق بودن فاتحان و ناحق بودن شکست خوردگان جنگ است. سلطان فاتح با استشهد به آیات قرآنی در موضوع جهاد، پیروزی مسلمانان و تحقق مشیت الهی، برای ارسال خبر فتح زمینه‌چینی می‌کند:

«هر بنده را که ایزد تعالی به لطف شامل خویش برگزید و خلعت کرامت و اجتبا در نهاد شریف وی پوشانید و بر اصناف برایا و کافه رعایا قادر و آمر گردانید و مقالید حلّ و عقد مصالح در دست تصرف او نهاد و مهمات طوایف آدمیان را به مقتضای رای او بازبست... هرکجا رود و آید فتح و نصرت قرین رایت او باشد.» (بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۳۱ - ۱۳۲).

«اصناف عوطف و انواع لطایف ایزد سبحانه و تعالی در تمهید قواعد دولت و تشیید ارکان مملکت ما زیادت از آن است که اقلام به تقریر و تحریر آن وفا کند... و یکی از صنایع جمیل و مواهب جزیل باری - جَلَّتْ قُدْرَتُهُ وَ عَلَتْ کَلِمَتُهُ - در حق ما آن است که در هر مهمی از مهمات دین و دولت و مصلحتی از مصالح ملک و ملت که ما را روی آورده شود... امداد یمن و یسر و اعداد فتح و نصر

قرین ایام و رفیق اعلام ما گردد» (وطواط، ۱۳۳۸: ۷۱).

«چون فیاض علی الاطلاق از خزانه وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا چنین فیضی در حق ما ارزانی داشت که از میامین آن مملکت ایران زمین مسخر فرمان قضاء مضا و محکوم احکام قدر تقدیر ما باشد و فتاح باستحقاق چنین فتحی کرامت کرد» (نخجوانی، ۱۹۶۴، ۱/ ۲۵۶ - ۲۵۵).

این مقدمه‌ها از نظر ادبی آرایه براعت استهلال دارد یعنی سرآغاز نامه به گونه‌ای است که مخاطب از محتوای آن آگاه می‌شود. این مقدمه نمودار کلیت معنایی و بیانی متن است و محتوا و موضوع سخن با انتخاب واژگان و تعابیر متناسب به صورت غیر مستقیم مطرح می‌شود. مقدمه فتح‌نامه‌ها اغلب به گونه‌ای تحریر و تنظیم شده است که سلطان ضمن اظهار حقانیت خود در حکومت، رفتن به جنگ با هر غرضی را جهاد فی سبیل الله قلمداد کرده است و طرف دیگر جنگ را نامشروع جلوه داده و پیشاپیش پیروزی خود را تحقق اراده و وعده الهی دانسته است.

۲.۳.۲. متن فتح‌نامه

تنه اصلی فتح‌نامه بخش میانی است و غرض از نگارش فتح‌نامه به صورت اعلان خبر صرف یا وصف و سخن‌آرایی شاعرانه در این قسمت نمایان می‌شود. در بخش متن، سبب حرکت و اعزام سپاه، اطلاعات حرکت سپاه به سوی دشمن، زمان وقوع جنگ، مکان رویارویی، تعداد سپاهیان هر دو طرف، چگونگی آغاز جنگ، توصیف آرایش لشکر و ابزارهای جنگ، پایان جنگ و حصول پیروزی گزارش می‌شود. همین بخش فتح‌نامه می‌تواند ارزش و سندیت تاریخی داشته باشد چراکه گزارش موقوف یک برهه یا حادثه تاریخی است؛ البته در بیشتر فتح‌نامه‌ها رنگ ادبی و بیان هنری به روایت صرف تاریخی غلبه دارد. برای مثال:

«خلاصه این کلمات و مخلص این تشبیب آن است که چون مواكب همایون ما حَفَّتْ بِالْمَيَامِينِ از دار الملك خوارزم عَمَّرَهَا اللَّهُ به تهیج دواعی دولت در جنبش آمد... سپاهی که حد آن در وهم هیچ مستقصی نگنجد و عد آن در قدرت هیچ محصی نیاید مجتمع گشت... هفتم محرم چون قضاء مبرم به در حصار فلان که مستقر خصمان دین و دولت و مستودع ارباب ضلالت بود نزول فرمودیم و راستی قلعه دیدیم که در ارتفاع با جوذا دست در کمر کرده... زیادت از هزار مرد کار از دلیران روزگار... ساکن آن بودند... امرا دولت آیدهمُ اللَّهُ فرمودیم تا منجیقی چند بر کار کنند... بیست روز زیادت صبر فرمودیم به حبل حکم اغضا اعتصام نمودیم... بعد از استعداد تمام و استمداد فضل حق، بامداد روز شنبه غره ماه... همت بر اتمام آن مهم گماشتیم... غبار فتنه انگیخته شد... در یک لحظه چنان قلعه محکم‌ترین قلاع عالم و معظم‌ترین بقاع گیتی است به شمشیر قهر گشاده گشت... معهدا در سر چنان حالتی فضل و عفو را کار بستیم و عنان انتقام را در آن مقام از دست سورت غضب بازستدیم» (بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۳۷ - ۱۳۳).

«لطف و عنایت ایزد سبحانه و تعالی ما را در اوائل شهر ربیع الآخره سنه اربعین و خمس مائة از دیار خوارزم... در حرکت آورد و عزیمت خطه جند در خاطر خطیر ما افکنند... هشتم این ماه به ساحل دریا به مرحله معروف که آن را صاغ درّه خوانند بر بیست فرسنگی جند نزول کردیم... چاشتگاه نهم این ماه به در جند رسیدیم و جنگ را ساخته و اعلام نصرت و رایات دولت افراخته. خود گریختن آن غافل جاهل، طاغی یاغی که اسم خانی بر خود نهاده بود... با قدوم مواكب ما موافق و مقارن بود... از سر جرائم و جرائم جمله درگذشتیم و دامن عفو بر مذلات ایشان پوشانیدیم... فی الجملة ولایت جند مع بسطه اکتافها و تباعد اطرافها ما را به یک لحظه بی‌آنکه تیغی از نیام برآهیخته شد... مسلم و مستخلص گشت و ما ذلک إلا من فضل الله العظیم و منه الجسیم» (وطواط، ۱۳۳۸: ۷۱ - ۷۳).

۲.۳.۳. پایان فتح‌نامه

بخش پایانی فتح‌نامه انتشار خبر پیروزی در قلمرو حکومت است و کارکردی دوگانه دارد: از سویی برای طرفداران حکومت دعوت به اظهار شادی پیروزی، دعا و صدقه است؛ و از سوی دیگر، تهدید و ترساندن مخالفان حکومت است که چه سرانجامی می‌تواند در انتظارشان باشد. در این بخش نیز چون فتح‌نامه پس از پیروزی به دست آمده و قطعی نوشته شده است، باز هم استناد به قرآن و سنت و اراده الهی می‌شود و سلطان بر حقانیت خود در حکومت پای می‌فشارد.

«چون فتح معظم که به حقیقت طراز کسوت عالم و تاج فرق اسلام و جمال چهر ایام و قوت اعتضاد ملت و نمود اثر دولت و نوباوه باغ اقبال و نتیجه فضل ذی‌الجلال است میسر شد... واجب دیدیم این فتح‌نامه اصدار فرمودن... تا حظ کامل از این شادی جهانیان را شامل است بردارند و شکر ربّانی این مواهب بزرگ به جای آرند... و این بشارت را فی کُلِّ وَادٍ نَادِ إِلَى کُلِّ حَاضِرٍ وَ بَادٍ تَبْلِغِ کنند... وَاللَّهُ يُحَقِّقُ ظُنُونَ الْمُعْتَصِمِينَ بِحَبْلِهِ وَ يَنْصُرُ جُيُوشَ الْمُسْلِمِينَ بِفَضْلِهِ» (بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۳۸ - ۱۳۷).

«چون ما را این سعادت مساعدت نمود... خواستیت تا قضات و ائمه و رؤسا و اعیان و مشاهیر و کافه رعایای خوارزم را اَدَامَ اللَّهُ حِرَاسَتَهُمْ... از این شادی بهره‌ای باشد و خبر این فتح بزرگ بدیان رسد. این فتح‌نامه هم روز آدینه که فتح بود اصدار افتاد... باید چون [اسد الملک اخر بک جونه] رسد و فتح‌نامه برساند اعتماد نمایند و عَلَى ذُرَى الْأَعْوَادِ وَ رُؤَسِ الْأَشْهَادِ بخوانند و این خبر ساز به دور و نزدیک شایع و مستفیض گردانند... و آنچه شرط دعوات و مراسم صدقات است بر حصول این فتح مبارک بجای آرند» (وطواط، ۱۳۳۸: ۷۳).

۲.۳.۴. عرض هنر به جای گزارش خبر

نگاهی به روند فتح‌نامه نویسی نشان می‌دهد که فتح‌نامه‌ها همسو با جریان سبک نثر فارسی از نثر ساده و مرسل به نثر فنی و مصنوع گراییده است. در دوره نخست نثر فارسی که فتح‌نامه در ضمن متون تاریخی درج شده اصل و معیار دبیران ارسال خبر پیروزی در شکل ساده و روان آن بوده است؛ یعنی گزارش خبر، غرض اصلی نویسنده بوده است؛ اما در دوره‌های بعد، به‌ویژه از سده ششم هجری، هنرنمایی و فضل‌فروشی در بیان خبر، کثرت وصف حماسی، صحنه‌آرایی و بیان هنری بر اصل خبررسانی پیشی می‌گیرد و نقش ارجاعی زبان (referential function) در فتح‌نامه به نقش زیبایی‌آفرینی و شعری (poetic function) تغییر می‌یابد. لوتر بر این باور است که این تغییر شیوه نگارش و سبک، بازتاب تغییری است در مداخله پادشاه در تهیه مراسلات رسمی؛ که شاهان غزنوی مستقیم در مکاتبات شرکت و دخالت داشتند اما سلاطین سلجوقی غالباً بی‌سواد بودند و نگارش منشآت را بر عهده کارگزاران خود نهادند (Luther, 1995: 28 - 30). در دوره‌های بعد نیز دبیران و منشیان تابع قواعد و آداب کتاب‌های ترسل و انشا بودند. گفتنی است که این تغییر سبک تنها در فتح‌نامه نیست و جریان سبک نثر فارسی چنین است.

از زمان استقلال فتح‌نامه که هم‌زمان با رواج نثر فنی و به دنبال آن نثر مصنوع فارسی است، فتح‌نامه به شاعرانگی متمایل شده است و به همین دلیل شگردهای بلاغی و صناعات شعری در آن بیشتر شده است؛ و از جمله آرایه‌ها و شگردهایی مانند بראعت استهلال، اغراق، تشبیه و استعاره، اطناب، استشهاد به آیات و احادیث، درج شعر فارسی و عربی و سجع پردازی و... در فتح‌نامه‌ها بیشتر به کار رفته است.

۲.۳.۵. نوع ادبی فتح‌نامه

فتح‌نامه نوشتاری ادبی است و به همین سبب در طبقه‌بندی آثار ادبی می‌توان جایگاه و پایگاه آن را تعیین کرد؛ و از سوی دیگر، نوشتاری تاریخی است که می‌تواند سندیت تاریخی داشته باشد و حتی سندی دست اول قلمداد گردد. فتح‌نامه‌ها در تاریخ نثر فارسی

از نظر انواع ادبی، وجهی حماسی دارد. این سخن بدین معنی است که در مسیر تحول انواع ادبی وقتی زمینه شکل‌گیری و رواج یکی از انواع ادبی افول می‌کند آن نوع ادبی کاملاً حذف و نابود نمی‌شود؛ بلکه در طول تاریخ و در ضمن آثار دیگر به شکل ضعیف شده و حاشیه‌ای ادامه حیات می‌دهد و به اصطلاح از حالت نوع (Genre) به حالت وجه (Mode) تغییر ماهیت می‌دهد (قاسمی‌پور، ۱۳۸۹: ۷۳).

اگر در تاریخ ادبیات فارسی به وضعیت برون‌متن یا فرامتن اواخر دوره غزنویان و به‌ویژه روزگار سلجوقیان و خوارزمشاهیان بنگریم درمی‌یابیم که به دلایل فروپاشی نظم اجتماعی، کشمکش‌های دینی، حکمرانی غیر ایرانیان، به حاشیه رفتن روحیه ملیت - هویت ایرانی و اصالت دادن بر دیانت‌مداری و گسترش نگرش عرفانی (زرقانی، ۱۳۹۸: ۲۴)، عرصه بر حضور و دوام نوع ادبی حماسه تنگ‌تر می‌شود و از نظر تاریخ ادبی در حال گذار از وضعیت قبلی به حالتی جدید هستیم. در این موقعیت گذار و دگرگونی، حماسه از نوع به وجه تبدیل می‌شود و در فتح‌نامه با شیوه یا طرز خطاب و بیانی رزمی و حماسی روبه‌رو می‌شویم.

در نگاه کلان و کلی، فتح‌نامه از نظر نوع ادبی زیرشاخه حماسه به حساب می‌آید. در فتح‌نامه روایت جنگاوری، پهلوانی و نام‌جویی سلطان یا سرداری گزارش می‌شود که هویتی تاریخی دارد و بیشتر بعد از وقوع رخداد با انشای دبیران جعل می‌شود. باید به این نکته توجه کرد که فتح‌نامه‌ها از سویی شاخه‌ای از حماسه مصنوع و ساختگی هستند (صفا، ۱۳۷۹: ۶) یعنی به شکل طبیعی و در اثر شرایط طبیعی و بافت فرامتنی متعارف شکل نگرفته‌اند؛ از سوی دیگر، فتح‌نامه‌ها از نظر موضوعی گونه‌ای از حماسه تاریخی به شمار می‌آیند؛ چراکه پهلوانی و جنگاوری شخصیت مرکزی - سلطان یا سپهسالار فاتح - هویتی شناخته‌شده و تاریخی دارد. باید به این ویژگی‌های فتح‌نامه، جنبه دینی را نیز افزود چون گزارش جنگ‌ها و پیروزی‌ها در این نامه‌ها اغلب صبغه دینی دارد و سلطان فاتح درصدد اثبات حقانیت و مشروعیت دینی خود است. در مجموع، می‌توان گفت فتح‌نامه یکی از گونه‌های فرعی حماسه کوتاه، مصنوع، تاریخی و دینی است که به مقتضای شرایط برون‌متنی جامعه پدید آمده است و در شیوه بیان و گزارش حادثه وجهی حماسی یافته است.

۲. ۴. نقش و کارکرد فتح‌نامه

هدف از نگارش فتح‌نامه در وهله نخست اعلان رسمی خبر پیروزی و غلبه بر مخالفان و دشمنان است. اگر این غرض را در نظر داشته باشیم می‌توان چنین انگاشت که فتح‌نامه سندی تاریخی است و گاهی سند دست اول تاریخی است. درج فتح‌نامه در ابتدا در متون تاریخی چنین نگرشی را تأیید می‌کند و می‌توان بر این اساس متن فتح‌نامه را با گزارش‌های متون تاریخی سنجید تا صحت و سقم دو متن آشکار گردد.

علاوه بر غرض اصلی، به نظر می‌رسد در نگارش فتح‌نامه، اغراض دیگری مد نظر بوده است. اثبات قدرت و سلطه سلطان فاتح یکی از اهدافی است که از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چراکه گزارش فتح و انتشار خبر آن رعب و وحشت در دل مخالفان حکومت می‌افکند. هدف دیگر می‌تواند تلاش برای بقای نام باشد و سلطان پیروز با حس تفاخر درصدد جاودانه کردن نام و یاد خویش باشد. غرض دیگر جلب و جذب عامه مردم از طریق هیاهوی تبلیغاتی می‌تواند باشد؛ هدفی که توأمان هم حس امنیت و هم ترس از سرانجام ناگوار نافرمانی را به ایشان القا کند. هدف دیگری که بیشتر در متن فتح‌نامه‌ها جلوه دارد تلاش فاتحان در نشان دادن جنگ در پوشش جهاد و به قصد گسترش دین رسمی است تا مشروعیت را در لباس حقانیت عرضه کنند. در راستای تحقق این هدف و نمایش این کارکرد است که در رمزگان متون فتح‌نامه عمدتاً استناد به آیات، احادیث و استفاده از واژه‌های دینی و ایدئولوژیک بیشتر دیده می‌شود.

۳. نتیجه

ثبت و ضبط فرجام لشکرکشی و نتیجه جنگ یکی از پیامدهای جنگ بوده است که در متون تاریخی و منشآت رسمی و آثار ترسل در قالب فتح‌نامه نوشته شده است. این نامه که بلافاصله از میدان جنگ یا با فاصله زمانی و پس از پایان جنگ از پایتخت به سراسر قلمرو حکومت در قالب نامه خبری ارسال می‌شد، وسیله‌ای بود که به وسیله آن خبر گشودن یک قلمرو، پیروزی در جنگ یا پایان موفقیت‌آمیز لشکرکشی پادشاه یا سپهسالاری را به دیگران اعلان می‌کرد. فتح‌نامه ابتدا در لابلای متون تاریخی و گاه تعلیمی، ضمن گزارش فرجام جنگ‌ها سر برآورده است و مورخان یا دبیران درباری گزارش جنگ، شرح میدان نبرد و چگونگی پیروزی بر دشمنان را در اثبات آثار تاریخی و تعلیمی به سلیقه‌ی شخصی و همسو با سبک نثر دوره‌ی خود نوشته‌اند. در این گونه آثار فتح‌نامه‌ها، ساختار مستقل، مشخص و تثبیت شده ندارند و به اقتضای حال و موقعیت گاه بسیار کوتاه و مجمل و گاه با اطناب و مفصل نوشته شده‌اند.

فتح‌نامه نویسی به مرور از سده ششم هجری به‌عنوان نوع (ژانر) ادبی هویت مستقل پیدا کرده و به‌صورت یکی از انواع ترسالات رسمی و سلطانی تثبیت شده است. نمونه‌هایی از فتح‌نامه در این سده در ضمن نامه‌های رشیدالدین وطواط (ف ۵۷۳ ق.) و کتاب التوسل الی التوسل بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی وجود دارد. از سده هشتم هجری به بعد در آثاری که در موضوع انشاء و ترسل نوشته شده به انواع فتح‌نامه، اصول و آداب نگارش آن و الگوهای پیشنهادی فتح‌نامه نویسی پرداخته شده است؛ و به تدریج گونه‌های فتح‌نامه‌ها بر اساس قلمرو فتح‌شده - شهر، قلعه و دشمنان - فرستندگان و گیرندگان فتح‌نامه طبقه‌بندی شده است.

فتح‌نامه منثور در قالب یک نامه نوشته می‌شد. نامه با املائی پادشاه یا سپهسالار و انشای دبیر یا منشی آماده می‌شد یا منشی و دبیر دیوان انشاء حسب دستور و با سبک و سیاق خود فتح‌نامه را می‌نوشت. فتح‌نامه سندی رسمی و حکومتی بود و بر اساس طبقه‌بندی منابع از نوع سلطانیات به شمار می‌آمد.

فتح‌نامه‌ها عموماً سه بخش دارند. سرآغاز فتح‌نامه پس از حمد باری تعالی و نعت پیامبر اکرم (ص)، مقدمه‌ای است در توجیه جنگ، دادن صبغه دینی جهاد به نبرد با مخالفان حکومت به قصد اقتناع مخاطبان در برحق بودن فاتحان و برای تحقق این منظور استشهاد به آیات قرآنی در موضوع جهاد، پیروزی مسلمانان و تحقق مشیت الهی در این بخش دیده می‌شود. تنه اصلی فتح‌نامه بخش میانی است که در آن از سبب حرکت و اعزام سپاه، اطلاعات حرکت سپاه به سوی دشمن، زمان وقوع جنگ، مکان رویارویی، تعداد سپاهیان هر دو طرف، چگونگی آغاز جنگ، توصیف آرایش لشکر و ابزارهای جنگ، پایان جنگ و حصول پیروزی گزارش داده می‌شود. همین بخش فتح‌نامه می‌تواند ارزش و سندیت تاریخی داشته باشد چراکه گزارش موقوف یک برهه یا حادثه تاریخی است؛ البته در بیشتر فتح‌نامه‌ها رنگ ادبی و بیان هنری به روایت صرف تاریخی غلبه دارد. بخش پایانی فتح‌نامه انتشار خبر پیروزی در قلمرو حکومت است و کارکردی دوگانه دارد: از سویی برای طرفداران حکومت دعوت به اظهار شادی پیروزی، دعا و صدقه است و از سوی دیگر تهدید و ترساندن مخالفان حکومت است که چه سرانجامی می‌تواند در انتظارشان باشد.

نگاهی به روند فتح‌نامه نویسی نشان می‌دهد که فتح‌نامه‌ها همسو با جریان سبک نثر فارسی از نثر ساده و مرسل به نثر فنی و مصنوع گراییده است و رفته‌رفته به جای گزارش خبر، هنرنمایی و فضل‌فروشی در بیان خبر، کثرت وصف حماسی، صحنه‌آرایی و بیان هنری بر اصل خبررسانی پیشی گرفته است. از زمان استقلال فتح‌نامه که همزمان با رواج نثر فنی و به دنبال آن نثر مصنوع فارسی است، فتح‌نامه به شاعرانگی متمایل شده است؛ و به همین دلیل شگردهای بلاغی و صناعات شعری در آن بیشتر شده است و از جمله آرایه‌ها و شگردهایی مانند براعت استهلال، اغراق، تشبیه و استعاره، اطناب، استشهاد به آیات و احادیث، درج شعر فارسی و عربی و سجع پردازی و ... در فتح‌نامه‌ها بیشتر به کار رفته است.

فتح‌نامه از نظر نوع ادبی زیرشاخه حماسه به حساب می‌آید. از آنجا که در فتح‌نامه روایت جنگاوری، پهلوانی و نام‌جویی سلطان یا سرداری گزارش می‌شود که هویتی تاریخی دارد و بیشتر بعد از وقوع رخداد با انشای دبیران جعل شده و اغلب رنگی دینی به جنگ داده می‌شده است. می‌توان فتح‌نامه را یکی از گونه‌های فرعی حماسه کوتاه، مصنوع، تاریخی و دینی دانست که به مقتضای شرایط برون‌متنی جامعه در شیوه بیان و گزارش حادثه و وجهی حماسی یافته است.

درنگارش فتح‌نامه اهداف و کارکردهایی می‌توان دید از جمله اعلان رسمی خبر پیروزی و غلبه بر مخالفان و دشمنان، اثبات قدرت و سلطه سلطان فاتح، تلاش برای بقای نام، جلب و جذب عامه مردم از طریق هیاهوی تبلیغاتی و تلاش در نشان دادن جنگ به عنوان جهاد.

منابع

- احمدی دارانی، علی اکبر (۱۳۹۶). «شعر فتح؛ معرفی و تحلیل نوعی از شعر مدحی»، *تقد ادبی*، سال ۱۰، شماره ۳۹، ص ۶۰-۱۳.
- بغدادی، بهاء‌الدین محمد بن مؤید (۱۳۱۵). *التوسل الی التوسل*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: شرکت سهامی چاپ.
- بوتول، گاستون (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی جنگ*، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- جوینی، عطا ملک بن محمد (۱۳۸۲). *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح علامه محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- حجتی، حمیده (۱۳۸۱). «فتح‌نامه»، در *دانشنامه ادب فارسی: فرهنگ نامه ادبی فارسی*، زیر نظر حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۰۲۲-۱۰۲۱.
- خطیبی، حسین (۱۳۷۵). *فن‌نثر در ادب پارسی*، تهران: زوار.
- خواجه جهان، محمود بن محمد (۱۳۸۱). *مناظر الانشاء*، تصحیح معصومه معدن‌کن، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار.
- درپر، مریم و دیگران (۱۳۹۱). «اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی، توصیف و طبقه‌بندی گونه نامه»، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال ۵، شماره ۱، ص ۶۶-۴۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۴). *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد ۸ بخش ۱، تهران: نگاه.
- رزمجو، حسین (۱۳۸۲). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰). *انواع نثر فارسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- رسول‌زاده، حسین (۱۳۹۵). «بررسی ساختار هنری فتح‌نامه‌های منظوم: با تکیه بر فتح‌نامه‌های دوره غزنوی»، *دو فصلنامه علوم ادبی*، سال ۶، شماره ۱۰، ص ۱۰۷-۸۱.
- زرقانی، سیدمهدی (۱۴۰۰). *تاریخ ادبیات ایران و قلمرو زبان فارسی*، جلد ۲، تهران: انتشارات فاطمی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). *انواع ادبی*، تهران: نشر میترا.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۶). *تاریخ تطور نثر فارسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

- شهاب منشی، محمد بن علی بن جمال الاسلام (۱۳۵۶). *همایون‌نامه*، به اهتمام رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹). *حماسه سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- طهماسبی، شهلا (۱۳۹۱). «فتح‌نامه» در دانشنامه زبان و ادب فارسی، زیر نظر اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۷۷۴-۷۷۱.
- ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۹۰). *سلجوق‌نامه*، تصحیح میرزا اسماعیل افشار، تهران: اساطیر.
- قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۸۹). «وجه در برابر گونه: بحثی در قلمروی نظریه انواع ادبی»، *نقد ادبی*، سال ۳، شماره ۱۰، ص ۸۹-۶۳.
- قربان‌زاده، پریسا (۱۳۸۸). «فتح‌نامه نویسی در ایران و اسلام»، *فرهنگ (ویژه تاریخ)*، شماره ۷۱، ص ۲۱۶-۱۷۹.
- مهری، بهروز و همکاران (۱۴۰۱). «معرفی و سبک‌شناسی فتح‌نامه صادقی بیگ افشار»، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال ۱۵، شماره ۷۴، ص ۲۶۲-۲۳۹.
- میهنی، محمد بن عبدالخالق (۱۳۷۵). *دستور دبیری*، تصحیح سیدعلی رضوی بهابادی، یزد: انتشارات بهاباد.
- میثمی، جولی اسکات (۱۳۹۳). «گونه‌های ادبیات درباری» در *تاریخ ادبیات فارسی*، جلد ۱، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران: سخن.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۷۶ - ۱۹۶۴ م.). *دستور الکاتب فی تعیین المراتب*، ۲ جلد، تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، مسکو: اداره انتشارات دانش.
- نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر بن علی (۱۳۷۲). *چهار مقاله*، تصحیح محمد قزوینی، تهران: جامی.
- واحد، اسدالله (۱۳۸۷). «ترسل و انشای فارسی از آغاز تا قرن ششم»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شماره ۱۷۲، ص ۱۶۶-۱۲۱.
- وطواط، رشیدالدین محمد (۱۳۳۸). *نامه‌های رشیدالدین وطواط*، به کوشش قاسم تویسرکانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Bosworth, Edmund. C. (2012). "fath-nama" *Iranica*, Vol. IX, pp. 422-423.
- Luther, Kenneth. A. (1995). "Bayhaqi and the later Seljuq historians: some comparative remarks". In *Yadname ye Abul Fazl-e Bayhaqi*, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad Press, pp. 14 - 33.